

چگونه نیچیه

بخوانیم

کیت انسل پیرسون

ویراستار مجموعه: سایمون کریچلی

ترجمه‌ی لیلا کوچک‌منش



فهرست مطالب

- ۹.....مقدمه‌ی مترجم
- ۱۳.....قدردانی
- ۱۵.....پیشگفتار ویراستار مجموعه: چگونه بخوانیم را چگونه باید خواند؟
- ۱۷.....مقدمه
۱. دهشت هستی.....۲۵
۲. انسانی، بسیار انسانی — فلسفه‌ی تاریخی در برابر فلسفه‌ی متافیزیکی.....۳۷
۳. سرور نیچه.....۵۱
۴. درباره‌ی حقیقت و شناخت.....۶۳
۵. حافظه و فراموشی.....۷۵
۶. زندگی زن است یا، والاترین زیبایی‌ها.....۸۵
۷. سنگین‌ترین بار.....۹۹
۸. فراتر از انسان.....۱۱۱
۹. هیچ‌انگاری و خواست نیستی.....۱۲۵
۱۰. بنگرید انسان را.....۱۳۷

ضمیمه.....	۱۴۹
گاه‌شمار زندگی نیچه.....	۱۵۳
چند پیشنهاد برای مطالعه‌ی بیش‌تر.....	۱۵۷
نمایه.....	۱۶۱

مقدمه‌ی مترجم

ما همواره از یاد می‌بریم که فراموش‌کاریم. در اعماق دریای زندگی، در زمینی بی‌مرجان و آلوده، به کار کاویدن شن‌هاییم غافل از آن‌که هر آن‌چه به کناری ریخته‌ایم هر لحظه با موجی دوباره به درون گودال کوچک آرزوهایمان می‌ریزد و آن را پر می‌کند. و ما هر بار از یاد می‌بریم که عمری است فقط یک نقطه را کنده‌ایم، با دست‌هایی گندکار و نفسی که هر دم می‌بُرد، با چشم‌هایی که از شن‌پراکنی کند-و-کاومان تار می‌شود. در این میانه نیچه یک نجات است؛ نه نجاتی که می‌رهاند و «خلاص می‌کند»؛ نیچه نه کشتی است نه ساحل؛ نه تسلا است نه مرگ؛ نیچه دریاست، دریایی که این بار ساحل و کف و موج و مرجان و آسمانش به هم درپیچیده‌اند؛ دریایی که پل است میان آسمان و زمین. دریایی که نیچه در برابر خستگی‌هایمان می‌گشاید نه آرام‌بخش است و نه نویددهنده‌ی هیچ گنجی؛ دریای تازه‌ی نیچه هولناک است و حتا در عمیق‌ترین آب‌ها طوفان‌خیز. بی‌طوفان نه امید ساحلی است - اگر ساحلی هست - و نه آرزوی به آسمان برداشتنی - اگر آسمانی باشد. جهان نیچه یک دریاست پر از آسمان و مملو از قصرهای شنی که لذت ویران‌کردن‌شان را تنها کودکانی‌های

ماست که درخواهد یافت. نیچه اندیشه‌ای بود بزرگ‌تر از تنی که در آن خانه داشت. اگرچه وی پیرو و سرسپرده نمی‌خواهد اما اگر بتوان شیفتگی را از سرسپردگی و کوردلی خالی کرد شاید شیفته همان چیزی باشد که می‌خواهد. فلسفه‌ی نیچه، فلسفه‌ی زندگی است. فلسفه‌ی او به خلاف اغلب فلسفه‌ها راهکارهایی عملی برای زیستن ارائه می‌دهد؛ آن‌ها گره از کار فرد انسان می‌کشایند. حرف‌های او را نمی‌توان تنها در ذهن نگاه داشت. اگر تیغ او بر جان خواننده نشسته باشد او را آرام نخواهد گذاشت. نیچه زخم می‌زند و مرهم نمی‌نهد. نیچه خواننده را به جست‌وجو وامی‌دارد. پاسخ‌های او پرسش‌های بیش‌ترند. با فلسفه‌ی او آرام‌نشستن ناممکن است.

دنیای امروزه چنان پر از محرک‌هاست و چنان هر دم همه‌ی حس‌های ما تا بی‌نهایت تحریک می‌شوند که حالا دیگر کرخت شده‌ایم. ما دیگر هیچ چیز احساس نمی‌کنیم. صداهای گوش‌خراش می‌خواهیم و نورافکن تا مطمئن شویم که می‌شنویم و می‌بینیم. برای انسان معاصر همه چیز یک چیز است، همه چیز چنان یکنواخت و یک‌دست است که تفاوت‌نهادن را ناممکن می‌کند. حالا دیگر بتمن پاره‌ای از همین دنیای همگون‌شده است و برای آنانی که در جست‌وجوی کرختی نجات نیستند هیچ جذابیتی ندارد. در نگاه آنان لباس دل‌کمی خستگی ناپذیر زیباتر است از نقاب و شل سیاه نجات‌دهنده‌ای که خود حتا از خود خسته و بیزار است. حالا برای بودن، حس کردن، شنیدن و دیدن باید ژوکر بود. ژوگری که برمی‌گزیند؛ از انتخاب نمی‌هراسد و در برابر همه چیز به خود آری می‌گوید. ژوگری که ارزش خندیدن در رنج را می‌داند و چون نیچه می‌پرسد چرا این قدر جدی؟ چرا این چنین عبوس؟

دنیای نیچه، دنیای یکه‌ای است که هرگز از نویی باز نمی‌ایستد.

و اما این کتاب:

این کتاب همان چیزی است که می‌گوید، نه کم و نه بیش. انتظاری بیش از

توضیح تعدادی از گزین‌گویی‌های نیچه از آن داشتن بیهوده است و البته برای فهم این قطعات توضیحات آن بسیار روشن‌گر و کافی‌اند. بهتر است همه‌ی گزین‌گویی‌هایی که در متن به آن‌ها پرداخته می‌شود یا حتا تنها نامی از آن برده می‌شود به دقت از سوی خواننده در کتاب‌های نیچه دوباره خوانی شوند. خواندن این کتاب آغاز خوبی برای آشنایی با نیچه است زیرا هم قطره آبی به دهان خواننده‌ی تشنه می‌ریزد و با تردستی بسیار او را بیش از پیش تشنه می‌کند تا شاید این بار خود او به جست‌وجوی دریای نیچه برآید؛ و هم گام خوبی است برای بهترشناختن او، زیرا اغلب گزین‌گویی‌های مشهور او را به خوبی توضیح می‌دهد؛ قطعاتی که شاید به دلیل همین شهرت از جانب بسیاری دانشجویان فلسفه مورد کم‌توجهی قرار گرفته‌اند.

به عقیده‌ی من اشکال اصلی کتاب نادیده‌گرفتن تفسیر حیات‌بخش دلوز از نیچه است. بسیاری از انتقادهای نویسنده به نیچه با رجوع به خوانش دلوز از وی از میان خواهند رفت. این نیز شاید خواننده را هرچه بیش‌تر به خواندن آثار نیچه ترغیب نماید. از مفسران ذکرشده در کتاب، آلن بدیو از تأثیرگذارترین آن‌ها در دوران معاصر است.

لیلا کوچک‌منش